



پوهنځی علوم انساني و مطالعات فرهنگي
د پوهنځي د لومړني کورنيو کورنيو

دوگانگی و واقعیت:

مروری بر مبحث معماری در ایران

■ دکتر محسن ابوترابی، استاد دانشگاه بیرمنگام UCE

● ترجمه: نسیم مهرتبار

۱- سرآغاز:

نه تنها در ایران بلکه در بسیاری از دیگر کشورهای غیر غربی، با شرایط اجتماعی - اقتصادی مشابه، سلطه و نفوذ دوگانگی " مدرن - سنتی " اهمیت خود جهت بحث و گفتگو را به سه دلیل از دست داده است.

۱-۱. بحث پیرامون سنت گرایي و معماری مدرن معمولاً در بین جمع بسته‌ای متشکل از معماران مجرب و موفق و اساتید و محققانی صورت می‌گیرد که خط مشی خود را موضوع بحث قرار می‌دهند. معمولاً کانون توجه جمع کثیری از اساتید و محققان به سوی معماری سنتی است. آنان با نگرشی فاضلانه، اطلاعات موجود را از نو جمع بندی و سازمان دهی می‌نمایند. ضمن آنکه گاه و بیگاه در طی کار عملی به تحقیقاتی می‌پردازند که برخی از آن تحقیقات از کیفیت علمی بالایی نیز برخوردارند. اگرچه بر میراث معماری کشورمان ارجح نهاده و آن را برجسته‌تر می‌سازند اما به دلیل محدودیتی که برای خود قائلند کمک مؤثری به مبحث فعلی نمی‌نمایند.^(۱)

گروه دیگر یعنی معماران مجرب و

آقای دکتر محسن ابوترابی

محقق و استاد برجسته معماری

دانشگاه مرکزی انگلستان در بیرمنگام

می‌باشد.

دوگانگی سنت و مدرنیته

در معماری معاصر ایران،

موضوع مقاله کوتاهی از ایشان است که

به مناسبت برگزاری کنفرانس

تاریخ معماری و برنامه‌ریزی شهری،

در بهار ۱۳۷۸،

به رشته تحریر برآمده است.

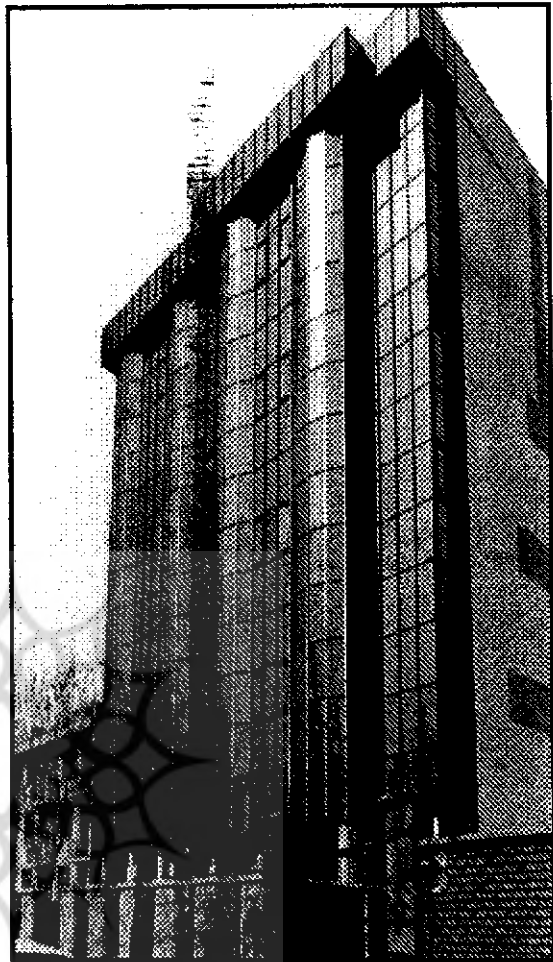
رقابت صورت می‌گیرد. تحت چنین شرایطی، موضوع گفتگو که معماری است از جریان اصلی خود خارج شده و به سوی مبحثی ذهنی‌تر حرکت می‌کند که جدا از واقعیت و به دور از آن است. بدین ترتیب، ارزش بحث و گفتگویی را که در واقع لفظی و کلامی شده، دو عامل تعیین می‌نماید:

الف) نحوه ارائه بحث و گفتگو. یعنی فرد سعی دارد تا با دوری جستن از دقت و وضوح، دیدگاه‌ها و نظریات تردیدآمیز خود را عرضه کند.

ب) وضعیت و جایگاه سیاسی نویسنده یا سخنران.

چنین گفتگوهایی به واسطه مقاصد و اهداف، و نقاط ضعفشان، نه اثری بر استنباط جامعه از معماری خواهند داشت و نه بر معماران مجرب تأثیر خواهند گذاشت. زیرا: الف) بحث و گفتگو در سطحی بالاتر از درک افراد عادی و دانش آنان نسبت به تاریخ و سنت معماری است. ب) افرادی نظیر دانشجویان رشته معماری و دیگر رشته‌های تحصیلی مرتبط با بنا سازی که نسبت به موضوع شناخت کافی داشته و به مسائل مربوط به ساخت بنا نیز علاقه مندند درک این دیدگاه‌ها و سهیم بودن در آنها را مشکل می‌یابند. ج) معمولاً موضوع چنین مباحثی، کاملاً بی ارتباط به مصالح کلی افراد می‌باشند.

آنچه که در اوضاع اجتماعی - اقتصادی حاضر برای افراد اهمیت دارد استطاعت مالی آنان و نیز حفظ ارزش بنای معماری شده بعنوان نوعی کالای مصرفی در بازار است. این امر در مورد بیشتر ساختمانهای عمومی، بخصوص آنها که از صحنه رقابت فزاینده رفته و در حال ساخت می‌باشند، نیز مصداق دارد. بدین ترتیب معماری و صنعت ساختمان سازی، مطیع و فرمانبردار بازار



کار آزموده که شاید تنی چند از آنان به کار تدریس نیز اشتغال داشته باشند عمدتاً دیدگاه‌های شخصی خود را مورد توجه قرار می‌دهند و تعبیر آنان از معماری سنتی و مدرن بر اساس شیوه معماری رایج و متداول و با در نظر گرفتن بازار

● آنچه که در اوضاع اجتماعی - اقتصادی حاضر برای افراد اهمیت دارد

استطاعت مالی آنان و

نیز حفظ ارزش بنای معماری شده

بهنوان نوعی کالای مصرفی در بازار است. ●

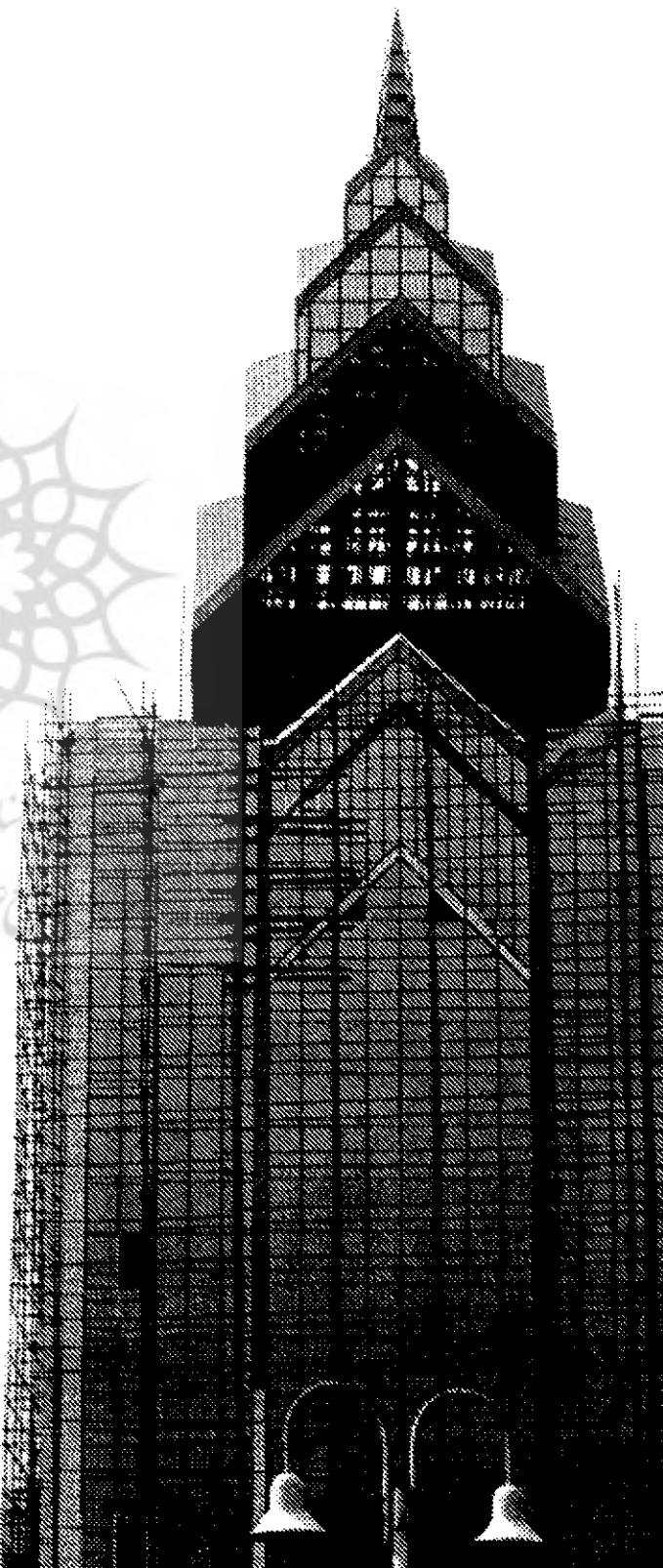
بوده و با نیروی بازار هدایت می‌شود. رشد و توسعه مسلم زیبایی‌شناسی نیز ناشی از هدایت بازار است. در منتهی الیه پائین می‌توان بناهای عمومی کوچک و منازل ارزان قیمت را قرار داد که طراحی و ساخت ضعیفی دارند و در منتهی الیه بالا تقلید را. در اینجا نیز نوعی معماری التقاطی که از فرهنگ‌های گوناگون وام گرفته شده، به شیوه‌ای تأسف بار به اجرا در آمده است.

۱-۲. با وجود بحث و گفتگوی بسیار بر سر

این دوگانگی، ماهیت معماری در ایران هنوز به درستی روشن نشده است. آثار معماری حامیان این دوگانگی نیز همانند آثار دیگران تحت تأثیر بازار قرار دارد. من سعی در بی مقدار نمودن آثار افراد ندارم بلکه قصد دارم توجه شما را به این نکته جلب کنم که هم شرکت کنندگان فعال و پر جنب و جوش در این بحث و گفتگو و هم افراد بی اعتنا و بی تفاوت، هر دو در روند شکل دادن به سنتی که پاسخگوی شرایط فرهنگی، و اجتماعی - اقتصادی حاضر در کشورمان باشد کمک می‌نمایند. با در نظر گرفتن ارتباط میان اقتصاد و معماری به دشواری می‌توان مبانی نظری و عملی معماری را از مبانی نظری و عملی اقتصاد تفکیک نمود. عوامل تعیین کننده اقتصادی و دیگر عوامل فرهنگی - اجتماعی، معماری فعلی را به ما تحمیل کرده‌اند. چنانچه معماران قادر به فهم و درک عواملی که اصول و ضوابط اجتماعی را تشکیل می‌دهند نباشند ماهیت معماری مبهم مانده و رشد و تکامل سنت یا روند «سنتی شدن» نیز دچار وقفه خواهد شد.

۱-۳. در حالی که بیش از یک قرن از عمر

جنبش مدرنیست در غرب می‌گذرد توانسته است به خوبی جای خود را در تاریخ هنر و معماری باز کند. با آنکه مدرنیسم با انتقاد روبروست اما مبدل به سنتی از گذشته‌ای نه چندان دور شده که به روند سنت معماری و «سنتی شدن» کمک نموده است. جنبش مدرنیست در تاریخ معماری غربی از یک ویژگی دوگانه برخوردار بوده است: در حالیکه سنت‌های کهن و تاریخی را کنار گذاشته و از آنها جدا می‌شود، پایه و اساسی را بنا می‌نهد که سنت پست مدرن با تمام گوناگونی‌ها و پیچیدگی‌هایش بر آن استوار می‌گردد.



نفوذ شگرف معماری مدرن غربی در ایران در اواسط قرن حاضر و به واسطه رشد سریع اقتصادی و روند شهرسازی صورت گرفت. این تنها بخشی از نفوذی بس وسیع‌تر بود. روش اندیشیدن و شیوه زندگی غربیان، بتدریج در تار و پود جامعه ما ریشه دوانید و سنت مدرن به درون بافت اجتماعی کشورمان رخنه نمود.

با وجودیکه معماری مدرن فاقد آن «حالت شاعرانه و عمق معنای شاهکارهای شیوه بین المللی» (curtis, ۳۵۶: ۱۹۸۲) و حساسیت و تناسب معماری سنتی بود اما عنصر مهمی در شکل دادن به شهرهایمان محسوب گشت. از لحاظ اقتصادی و اجتماعی، اجرای این معماری فاسد و روبه زوال، پاسخی به رشد سریع اقتصادی و تغییرات اجتماعی بود که در نتیجه عامل دوگانگی را از آنچه که بود کم اهمیت‌تر و بی معناتر ساخت. ایران در ارتباط با «معماری سنتی» نیازمند مرجعی دقیق و در رابطه با «معماری مدرن» محتاج تعبیر و تفسیر است.

پژوهش‌های بین‌رشته‌ای
موسسه تخصصی معماری و شهرسازی
موسسه تخصصی معماری و شهرسازی
موسسه تخصصی معماری و شهرسازی



با وجود بحث و گفتگوی بسیار

بر سر این دوگانگی،

ماهیت معماری در ایران هنوز به درستی روشن نشده است.

آثار معماری حامیان این دوگانگی نیز

همانند آثار دیگران تحت تأثیر بازار قرار دارد. ۶۶

۲- سنت گرایي:

متداولترین تعریف از واژه «سنت»، عادات و رسوم و نظام‌های ارزشی است که از گذشته به ما رسیده و ما آنها را پذیرفته و به کار بسته‌ایم. نیازی به احساس آن نیست. سنت را بعنوان واکنشی در مقابل «نوگرایی» می‌شناسیم. واژه «نوگرایی» بعنوان شیوه‌ای که مورد قبول بسیاری از مردم قرار گرفته خود حاوی نوعی آشفتگی یا سردرگمی است. زیرا هم بعنوان واکنشی در مقابل سنت‌ها و هم قبول آنهاست. بنابراین از آنجا که نوگرایی دارای چند جنبه می‌باشد مشکل بتوان تعریف واحدی برای آن در نظر گرفت.

بدین ترتیب نمی‌توان در تعریف از واژه «سنت» نیز به پاسخ واحدی دست یافت. Edmund Husserl (۱۹۷۰) چنین اظهار می‌دارد: «سنت، دقیقاً سنت است.» و ادامه می‌دهد: «سنت است که جهان فرهنگ با همه اشکال گوناگونش را شکل داده است.» واژه «سنت» در بر دارنده مضامین مادی و معنوی است و همین ویژگی دوگانه تخصیص معنای خاصی به آن را دشوار ساخته است. مضمون معنوی آن که ارزشی بی‌چون و چر را به واژه سنت بخشیده، دلالت بر چگونگی دیدگاه بشر نسبت به جهان در طول تاریخ دارد. نمایشی از جهان متافیزیکی است که تنها از طریق منبعی روحانی و معنوی و بدون هیچ علت یا سببی «در درون خود بشر پدید آمده است.» (Husserl, ۱۹۷۰). این پیوند، قالبی نمادین به واژه «سنت» بخشیده و صحت و اعتباری ذاتی، تفکیک‌ناپذیر، و مطلق را از آن او ساخته است. آن را نظامی ارزشی معنا نموده‌اند که در گذشته به آن شکل داده شده، تا به امروز ادامه یافته، و توان آن را دارد که در آینده نیز به راه خود ادامه دهد. ویژگی عارفانه سنت، صحت

و اعتباری را نیز نصیب مضامین غیر معنوی ساخته است. فعالیت‌های فرهنگی گذشته نظیر شیوه زندگی، عادات، هنر، معماری، و... از آن جمله‌اند. بر این باورند که این سنت‌ها، ارزش‌هایی جاودانی هستند که در هر برهه از زمان قابل اجرا خواهند بود.

در بخش معماری، سنت گرایان بر این اعتقادند که معماری سنتی به موازات رشد فرهنگ بسط و گسترش یافته است. هر نسلی مطابق با مجموعه‌ای از توانایی‌های فنی و هنری به رشد و تکامل خود کمک نموده است. معماران سنت گرا تأکید بر صحت و اعتبار رشد و تکامل شکل و قالب بعنوان نمادی از هویت فرهنگی، و تداوم و استمرار آن دارند. بنابراین معماری «ابزاری برای فرهنگ است که بر سلطه و برتری فرهنگ صحنه گذاشته و تداوم آن را تضمین می‌نماید.» (Hays, ۱۹۹۷: ۱۶). با توجه به چنین دیدگاهی قالب‌های معماری که نمایانگر ارزش‌های فرهنگی می‌باشند می‌بایست پیش از این‌ها کامل شده باشند. «سعی تاریخدانان و منتقدین در این است که یک بنای معماری را به معنای اولیه و نخستین آن بازگردانند.» (Hays, ۱۹۹۷: ۱۶).

۳- نوگرایی:

نوگرایان بدنبال فاصله گرفتن از سنت و حرکت از ارزش‌های بومی به سوی ارزش‌های پویای جهانی می‌باشند. افکار نوگرایان مبتنی بر جامعه‌ای متجانس و جهانی است و اعتقاد آنان بر این است که «محیط مدرن و تجربیات حاصل از آن، کلیه حد و مرزهای بومی و قومی، طبقاتی و ملیتی، و دینی و مذهبی، و مرام و مسلکی را از بین خواهد برد.» (Berman, ۱۹۸۲: ۱۵) تأکید آنان بر «فنا

نسبی ارتباطات تاریخی و در عوض توجه به بناهایی با معماری آزاد و خودگردان و عملکردهای ظاهری آنهاست.» (Hays, ۱۹۹۷). پیوند میان معماری و فرهنگ را که نشانی از ارتباط با گذشته دارد رد کرده و بر این عقیده‌اند که «بنای معماری، معرف زمان و مکانی خاص است، اما نباید با توجه به اصلیت بنا بر اهمیت آن محدودیتی قائل شد.» (Hays, ۱۹۹۷). بنابراین، معماری با انکار جایگاه و مقام فرهنگی - اجتماعی و تاریخی خود تبدیل به شکل و قالب محض می‌گردد.

۴- بحث و گفتگو:

انقلاب سیاسی - اجتماعی ایران در اواخر دهه ۱۹۷۰ نشان از جابجایی «نوگرایی بی ثبات و ناپایدار» با «قطعیت سنتی» دارد. قطعیت سنتی به معنای اندیشه‌ای آرمان‌گرایانه که می‌توانست به راحتی به حقیقت انجامد، ایده‌ای بود که اساس آن بر تغییر صورت ظاهری مفهوم بیگانه و ناآشنای نوگرایی به ارزش‌های غنی سنتی استوار بود. یعنی ارزش‌هایی که ریشه در فرهنگمان داشتند. همانطور که قبلاً نیز اشاره شد تأثیر این تغییرات بنیادین در معماری در حرف بیشتر بود تا در عمل. بطوری که دو دیدگاه متفاوت از سوی سنت‌گرایان مطرح شد. اعتقاد گروه اول بر این بود که معماری سنتی با اصلاحاتی جزئی قادر به پاسخ به نیازهای فعلی جامعه می‌باشد. تجلی این دیدگاه را می‌توان در منازل مسکونی مشاهده نمود. یعنی بناهایی که عموماً ترقی چندانی نداشته، یک یا دو طبقه‌اند و اغلب از طرح و نقشه و نیز مصالح و تکنیک‌های ساختمانی مشابهی برخوردارند. بطوریکه می‌توان همین ویژگی‌ها را در بناهای سنتی یک قرن پیش نیز مشاهده نمود.^(۲)

طرفداران دیدگاه دوم نگرشی مترقی‌تر دارند. ضمن کمک به پیشرفت معماری با ارائه قالب‌های تاریخی / سنتی، تأکید بر حفظ تداوم معماری دارند. آنان بر این عقیده‌اند که شالوده معماری مدرن در کشورمان را معماری سنتی تشکیل می‌دهد. بدین ترتیب فرضیه‌ای شکل گرفت که طبق آن قالب‌های معماری تاریخی / سنتی که در درازمدت و در دوره‌های گوناگون تاریخی شکل گرفته و رشد و توسعه یافته‌اند به هویتی مستقل دست می‌یابند که جدا از زمان و مکان خاص فرهنگی - اجتماعی آنهاست.^(۳) بنابراین می‌توان قالب‌های جاودانی معماری سنتی را ارائه داده و آنها را در معماری معاصر گنجانید. آنچه که در این دیدگاه بی‌همتاست استفاده از زبان شاعری (شاعرانه) بجای زبان معماری در توضیح معماری است.^(۴)

ضمن آنکه بینشی بیش از حد رویاگونه از گذشته است که با طبیعت عارفانه و رازآمیز واژه «سنت» تلفیق شده و مانع از ارزیابی مستقیم معانی ضمنی معماری گشته است. استفاده از زبان شاعری و تمثیلی در توضیح نظریه‌ها و شیوه‌های گوناگون معماری به این رشته هنری خلاق که نظام ارزشی و زبان ارتباطی و گویای خاص خود را دارد ارزش بسیار بخشیده است. در ایران، نوگرایان، بر خلاف سنت‌گرایان، هنوز به دیدگاه منسجمی دست نیافته‌اند. این امر اظهار نظر در مورد نگرش آنان را دشوار می‌سازد. ساختمان‌های زیادی به شیوه معماری مدرن و پست مدرن غربی ساخته شده‌اند در حالیکه آنها را در مفهوم معماری سنتی ارائه داده و مورد بحث و گفتگو قرار داده‌اند.

دو دیدگاهی که در بالا به آنها اشاره شد حاکی از نوعی دوگانگی حاکم و فراگیر در معماری

با آنکه مدرنیسم با انتقاد روبروست

اما مبدل به سنتی از گذشته‌ای نه چندان دور شده

که به روند سنت معماری

و «سنتی شدن» کمک نموده است. ۶۶

در ایران،
نوگرایان، بر خلاف سنت گرایان،
هنوز به دیدگاه منسجمی دست نیافته‌اند.
این امر
اظهار نظر در مورد نگرش آنان را دشوار می‌سازد. 66



هنر آن نیست که از آثار دیگران تقلید کرده، آنها را تکرار نمائیم و
یا قالب‌های سنتی را با مواد و مصالح جدید بازسازی نموده و
یا قالب‌های جدید را با مصالح قدیمی بسازیم.

یعنی معماری

تنها یک رشته تحصیلی پوسیده و راکد نیست
بلکه هنری پویا است که
تحت تأثیر و در عین حال تأثیر گذار بر فرهنگ است.



اینجاست که باید معماری مدرن و سنتی را با در نظر گرفتن محیط فرهنگی - اجتماعی و اقتصادی - اجتماعی کشورمان بار دیگر ارزیابی نمائیم.

پاورقی‌ها:

- ۱- به مقالات ارائه شده در کنفرانس دوم تاریخ معماری و برنامه ریزی شهری در بم، فروردین ۱۳۷۸، مراجعه نمائید.
- ۲-۴. جهت کسب اطلاعات بیشتر به نشریاتی که در کتابنامه آورده شده مراجعه نمائید.

منابع:

- Berman, M (1982) All that is solid melts into air. New York, Curtis, W. (1982) Modern Architecture since 1900. Oxford, phaidon press.
- Hays, kM (1997) Critical Architecture: between culture and Form. Columbia University.
- Husserl, E. The Origin of Geometry. In 'The crisis of European Sciences and Transcendental Phenomenology'. University of Nebraska Press (1989).
- ABADI (آبادی)، فصلنامه‌ای در برنامه ریزی شهری و معماری، ایران، MUP،
- نسخه‌های: سال چهارم، شماره ۱۳، ۱۹۹۴
- نسخه‌های: سال ششم، شماره ۲۲، ۱۹۹۶
- نسخه‌های: سال ششم، شماره ۲۳، ۱۹۹۷
- نسخه‌های: سال هفتم، شماره ۲۶، ۱۹۹۷
- نسخه‌های: سال هفتم، شماره ۲۷ و ۲۸، ۱۹۹۸
- نشریه معماری و شهرنشینی، ایران.
- نسخه‌های: شماره ۲ و ۳، ۱۳۷۵
- شماره ۳۱ و ۳۲، ۱۳۷۴

ایران هستند. یکی از آنها معماری را برتری بر حق و خود ماندگار فرهنگ می‌داند و دیگری بدون داشتن دیدگاهی منسجم از معانی ضمنی اقتصادی و اجتماعی معماری مدرن، تأکید بر اجرای آن دارد. این وضعیت را می‌توان در معماری دهه اخیر ایران بخوبی مشاهده نمود. وضعیتی که ما را از ضعف و فروپاشی جسارت و اطمینان در هر دو شیوه مدرن و سنتی آگاه می‌سازد. باید نسبت به هر دو اعتراض کرد هرچند که جانشینی برای آنها نداشته باشیم. این نکته اصلی است که نیاز به توجهی دقیق و سنجیده دارد.

جستجو در پی یافتن نوعی معماری جدید که ضمن حفظ تداوم، پاسخگوی نیازهای فعلی جامعه باشد امری دشوار است که به عقیده من نه دیدگاه متعصبانه سنت گرایان و نه نگرش پیشروی نوگرایان کمکی بدان خواهد نمود. مروری کوتاه بر فرهنگ ایرانیان نشان می‌دهد که هم اتصال و هم انفصال از سنت‌ها به پیشرفت فرهنگ و هنر در این مرز و بوم کمک نموده است و پیوند و اتصال میان معماری قدیم و جدید که بر پایه همین اتصال و انفصال است در رشد و توسعه معماری ایران نقشی بسزا داشته است.

هنر آن نیست که از آثار دیگران تقلید کرده، آنها را تکرار نمائیم و یا قالب‌های سنتی را با مواد و مصالح جدید بازسازی نموده و یا قالب‌های جدید را با مصالح قدیمی بسازیم. جستجو برای یافتن یک شیوه معماری نو و جدید، نیاز به یک طراحی بدیع و خلاق دارد. یعنی نوعی از طراحی که گذشتگانمان به خوبی آنرا در تکنیک‌های نوآورانه و استفاده از مصالح محدود ساختمانی، یعنی آجر و گل، به نمایش گذاشتند. ما ملزم به درک ضوابط اجتماعی جامعه هستیم. معماری با مفاهیم و ایده‌ها سر و کار دارد تا با گردآوری مصالح ساختمانی. یعنی معماری تنها یک رشته تحصیلی پوسیده و راکد نیست بلکه هنری پویا است که تحت تأثیر و در عین حال تأثیرگذار بر فرهنگ است. ما باید درک کنیم که معماری نه تنها رشته‌ای تحصیلی، بلکه صنعتی جدی است که زبان ارتباطی خاص خود را دارد. از همه مهم‌تر اینکه تولید نهایی، نوعی کالای مصرفی است که دارای ارزشی در بازار است و